

## "تقلید در آواز ایرانی"

### (قسمت دوم)

مسئله ای که امروز گریبانگیر موسیقی ما شده است ردیف زدگی است و در پی آن هم تقلید محض در همه سطوح.

اگر مسئله تقلید و پیروی محض از مربی در تمام سطوح و پارامترها ادامه یابد برداشتهای نو و یا به عبارتی طراوت و تازگی و خلاقیت در جایگاه درست آن از موسیقی ما خواهد رفت و موسیقی اصیل تبدیل به امری تکراری و کسل کننده خواهد شد.

در زمانی نه چندان دور در سرزمین ما ایران خوانندگان و نوازندگان بسیاری می خواندند و می نواختند. هر کس با رنگ و بوی خاص خودش، با سبک و سیاق خودش، با لحن خودش و با صدای خودش. همه می خواندند زیبا و دلنشین. همه ما آنها را می شناسیم. موسیقی ما مانند رنگین کمانی زیبا بود. همه رنگی در خودش داشت و مانند گنبدهای فیروزه ای شهرمان پر از نقش و نگار بود.

شهری است پر کرشمه خوبان زشش جهت

آنچه امروز موسیقی ما دچار آن شده است برداشتی نادرست از تقلید می باشد و این مسئله منحصر به موسیقی سنتی نیز نمی باشد.

ای دو صد لعنت بر این تقلید باد                  خلق را تقلیدشان بر باد داد

تقلید سبک و شیوه خوانندگی خصوصا تقلید لحن و یا به نوعی تقلید صدا چه در حوزه موسیقی سنتی و چه در حوزه موسیقی پاپ آواز ما را فلج کرده است.

شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد                  بنده طلعت آن باش که آنی دارد

البته ناگفته نماند نقش رسانه های گروهی نظیر رادیو و تلویزیون و شبکه های اجتماعی در پیدایش این پدیده نقشی اساسی است؛ این پدیده را می توان بمباران اطلاعاتی و یا بمباران صوتی هم نامید؛ وقتی شما در طول زندگی روزمره خود به طور دائم یک نوع صدا را گوش کنید ناخواسته اثر این صدا در آواز شما هم پیدا خواهد شد و این مسئله بسیار اساسی است چرا که این اتفاق کاملا ناخودآگاه است و به همین دلیل خوانندگان حرفه ای بشدت به این موضوع توجه دارند و گوش خود را به هر صدایی نمی سپارند.

\* \* \*

"پایان قسمت دوم"